ادامه از صفحه اول

## ضابطه قوه قضای شایسته

...اگر این تعادل و توازن به نفع مردم‌شکنان و خیر عمومی ستیزان به هم ریخت، آن وصف رضایت همگانی مخدوش و اعتماد و وفاداری میان مردم به سامانه حکمروایی مخدوش و متزلزل می‌شود. ۴- خبرهای آکنده از وحشت راجع به خشونت‌های خانگی و قتل‌های ناموسی یا تصادفات جاده‌ای ناشی از فقدان ایمنی و استانداردهای مطالبه ایمنی در ترددهای شهری یا فسادهای افشاشده در مدیران مناصب عمومی و سلطان‌های فاسد در عرصه‌های مختلف زیست شهروندی همه امنیت روانی مردم را مخدوش می‌کند و نشان از این واقعیت دارد که در جامعه ما پیشگیری و آموزش ضعف بنیادین دارد. قوه قضا در بخش پیشگیری و اقدامات تأمینی تکالیفی جدی دارد که انجام نمی‌شود. ۵- داوری مردم نسبت به قوه قضا شکننده و حساس است. قدرتی که یک بازپرس مستقل برای دفاع از حق دارد، اگر من غیر حق صرف شود، خیلی سخت می‌توان اعتماد مخدوش را بازسازی کرد. مردم آن‌گاه که اقتدار قضا در برخورد با فساد ریشه‌دار یا دانه‌درشت را می‌بینند، روحیه‌شان تقویت می‌شود و اگر که سیستماتیک بودن مفاسد را حس کنند، سخت بی‌اعتماد می‌شوند. باید در مواضع اتخاذی مسئولان قضا به‌شدت بی‌طرفی، استقلال و اقتدار بروز یابد. سامانه دفاع از حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در قوه قضا ضعیف است. باید این وجه قوه نیز تقویت شود. دادگاه قانون اساسی تضمینی است جهت دفاع از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مجازی که در کشور ما حلقه مفقوده است. توجه حمایتگرانه به توسعه سیاسی می‌تواند زمینه نقادی و شفافیت حکمرانی را فراهم کند و پیشگیری جدی از آوارهای بعدی باشد. اگر عقل انتقادی در این باشد همه خود را پاسخ‌گو می‌بینند و دامن فساد برچیده می‌شود. ما این همه هزینه تاوان برخورد با فساد ریشه‌دوانده می‌دهیم، حال آنکه اگر آزادی نقد و شفافیت باشد، فساد به خود می‌لرزد و مجال جولان تا سرحد سیستماتیک‌شدن و پاندمی نمی‌یابد. ۶- آن‌سان که ظلم اقتصادی و فساد اقتصادی قبیح و مجرمانه است، ظلم سیاسی نیز قبیح است و قوه باید در مصاف صدمه و ثلمه به حقوق و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی هم مقتدر ظاهر شود. قوه در حمایت از حقوق اقلیت‌ها، دگراندیشان سیاسی و افشاگران فساد توانمند ظاهر شود و در حمایت از آزادی‌های عمومی و حقوق مدنی- سیاسی امانت اقتدار عمومی از مجرای قضا مقتدرانه‌تر ابراز شود. نسبت به آزادی‌های مدنی- سیاسی و اقدامات با حسن نیت کنشگران سیاسی، سیاست کیفری تأمینی و حمایتگرانه اتخاذ شود. ۷- وقت بازآرایی و بازطراحی ساختار قضاوتی فرارسیده است. دادگاه‌های اختصاصی نظیر ویژه روحانیت و انقلاب نیازمند بازنگری و تغییر هستند. باید همه دادگاه‌ها به‌صورت عام و بدون تبعیض و تفاوت عمل کنند. آیین دادرسی واحد باشد. اجازه ابلاغ‌های ویژه و خاص ندهند تا پرونده‌ها به‌صورت غیرتبعیض‌آمیز توزیع شود. دادگاه‌ها با آیین واحد و بدون پیش‌فرض رسیدگی کنند. هرچند دادگاه‌های تخصصی باید تقویت شود. دادگاه‌های تجاری، بانکی، بورسی و... قضات تخصصی باشند ولی دادگاه اختصاصی زمینه تبعیض را فراهم می‌کند. ۸- اصرار بر استقلال نهاد وکالت از دادگستری یک جدال صنفی نیست بلکه کاملا بر محور حقوق مردم است. باید از دسترسی تبعیض‌آمیز به وکیل اجتناب و تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حذف شود. از مداخله و مباشرت در امور وکالت اجتناب و بلکه صرفا نظارت قیمومتی و نه سلسله مراتبی اتخاذ کند و کانون وکلا را مستقل از قدرت و به مثابه یک نهاد مدنی حامی حقوق شهروندی تاب‌آوری حمایتگرانه کند. استقلال قوه قضا از قدرت حداکثری و بدون قید و شرط باشد، قوه از مناسبات سیاسی پرهیز جدی کند. این قوه قضا شایسته خواهد بود. ۹- سلسله اقدامات جامع قضائی است که تغییر را ایجاد می‌کند. غارتگران بیت‌المال و مخربان محیط زیست و مفسدان اقتصاد با سرعت و امانت و بدون تبعیض یا حامی‌پروری تعقیب شوند. دادگاه‌های استجازه‌ای که روند تعقیب خاص داشته و در غیاب وکیل آزاد رسیدگی شده و بدون تجدیدنظرخواهی هستند تجدید نظر شوند. جایگاه نظارتی دیوان عالی کشور تقویت شود. دادستان‌ها تعلیمات حقوق بشر و شهروندی متناسب به ضابطان دهند . بازنگری در مجازات‌ها با دوران مدرن و امروزی در دستور کار قرار گیرد. جرم‌زدایی و زندان‌زدایی در دستور کار جدی قرار گیرد. هیئت‌منصفه‌ها تقویت شده و ترکیب آن نه انتصابی بلکه مدنی و مردمی واقعی باشد. پاسخ‌گویی و شفافیت در بودجه، تمرکز حساب‌های قوه در یک حساب و واریز وجوه به خزانه و مرتب‌سازی مالی. قوه خود را بالاتر از گزارش به مردم و ورای تحقیق و تفحص مجلس و نهاد ناظر نبیند و مرتبا به مردم گزارش داده شود. با نهادهای مدنی برای آموزش مردم و پیشگیری از جرم برنامه‌های منسجم همکارانه تدارک شود. ۱۰- در کلیه مصادیق نقض حقوق بشر نظیر خشونت خانگی، قتل‌های ناموسی، تعدی به حیوانات و محیط زیست مقتدرانه و بهنگام عمل کند. برای توسعه قضا و ارتقای دانش قضات دوره‌های تخصصی مستمر با بازکردن در قوه به مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی تمهید شود. زندانیان مدنی- سیاسی و وکلای دربند آزاد شوند. در حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید برنامه جامع اقدام داشته باشد. درخصوص امور حقوقی ایرانیان خارج کشور سرویس قضائی مناسب به ایشان ارائه دهد. برای رفع اطاله دادرسی و رسیدگی‌های مطول دادگاه‌ها را حسب اهمیت طبقه‌بندی یک و دو کند. مسئولان قوه مرتبا با رسانه‌ها و افکار عمومی در تعامل بوده و پاسخ‌گویی داشته باشند تا اعتماد عمومی به قوه جلب شود. تجهیز و نوسازی زندان‌ها و ایمن‌سازی محیطی در سطح کشور اولویت داشته باشد. دادگستری رؤیایی و شایسته ایرانیان این‌گونه است و امید می‌رود چنین قوه قضای مقتدر مطلوبی فراروی شهروندان این مرز و بوم و مدافع حقوق همه ایرانیان باشد.

پیگیری حوادث جاده‌ای اخیر که منجر به کشته‌شدن ۹ نفر شد

# اتوبوسی به نام مرگ

**شهرزاد همتی:** یک تصادف در جاده‌های غیراستاندارد نقده و یک تصادف در سیستان و بلوچستان جان ۹ نفر را گرفت. دو خبرنگار و هفت سرباز- معلم که جان عزیزشان قربانی بی‌کفایتی و بی‌مبالاتی مدیرانی شد که با وجود بودجه‌های میلیاردی سازمان‌های متبوع، حاضر به تجهیز خبرنگارانی که برای بازدید از دریاچه ارومیه و سرباز معلم‌های سیستان و بلوچستانی که برای گذراندن دوره آموزشی به پادگان می‌رفتند نشدند. ریحانه یاسینی، خبرنگار ایرنا و مهشاد کریمی، خبرنگار ایسنا که قرار بود روز جمعه لباس سپید عروسی بر تن کند، در لحظه نگارش این گزارش، پیچیده‌شده در پرچم ایران و با تاج گل تسلیت سازمان حفاظت از محیط زیست به خاک سپرده شدند. حالا هیچ کس پاسخ‌گوی این سؤال نیست که «چرا» هیچ‌کس حاضر نیست تقصیر این فاجعه‌ها را به گردن بگیرد. تلفن همراه مسئولان ذی‌ربط یا خاموش است یا اصلا پاسخ داده نمی‌شود. در خبرها هم آنچه مشخص است این است که هیچ‌کس مقصر نیست؛ نه ستاد احیای دریاچه ارومیه و سازمان حفاظت از محیط زیست و نه وزارت راه و شهرداری که سال‌هاست زیر بار بازسازی راه‌ها و جاده‌های خراب‌شده نمی‌رود و در سیستان و بلوچستان هم هیچ‌کس به تلفن پاسخ نمی‌دهد. اما روز انتشار این گزارش جوابیه‌ها به روزنامه روانه و تأکید می‌شود که مطابق قانون مطبوعات جوابیه‌های یک‌سویه باید منتشر شوند. این گزارش بی‌مبالاتی است. بی‌مبالاتی‌های جبران‌ناپذیری که جان عزیز جوانان ارزشمندی را گرفت و عرصه خبر را عزادار کرد و کسی حتی حاضر نشد برای چراهایی که در ذهن‌ها شکل گرفته یک پاسخ درست پیدا کند.

### واژگونی اتوبوس خبرنگاران

حدود ساعت ۱۷ روز چهارشنبه، سوم تیرماه، اتوبوس حامل خبرنگاران حوزه محیط زیست که برای بازدید از دریاچه به استان آذربایجان غربی رفته بودند، هنگام بازگشت از دریاچه و در جاده نقده ترمز برید و واژگون شد. حادثه‌ای که علاوه بر زخمی و مجروح شدن مسافران اتوبوس، دو کشته داشت. کمی بعد از انتشار خبر معلوم شد که اتوبوس حامل خبرنگاران، یکی از بی‌کیفیت‌ترین اتوبوس‌ها بوده و راننده آن شش ماه پیش درخواست اسقاط‌کردن آن را داده بود. اتوبوس که متعلق به کارخانه سیمان بوده، از این جهت برای حمل خبرنگاران انتخاب شده که استفاده از آن رایگان بود! واکنش‌ها به این اتفاق هم عجیب بود. فروغ فکری، خبرنگار حوزه محیط زیست روزنامه پیام ما که در این سفر حضور داشته و زخمی شده، با بیان اینکه فردای روز حادثه خبرنگاران حاضر در این سفر درباره این واقعه شکایتی را ثبت کرده‌اند به «شرق» گفت: «روز پنجشنبه مأمور پلیس به هتل آمد و گفت می‌توانید ثبت شکایت کنید؛ ما از هرجایی که می‌توانستیم، از سازمان حفاظت محیط زیست، ستاد احیای دریاچه، راننده اتوبوس، وزارت راه و هرکسی که در این ماجرا دخیل بوده شکایت کردیم. همکارانم درباره جراحاتشان نوشتند و آنهایی که نیاز به طول درمان و معاینه پزشکی قانونی داشتند دراین‌باره نوشتند». او افزود: «این ماجرا را باید به صورت کلی نگاه کرد. وزارت راه هم باید نسبت به این حادثه پاسخ‌گو باشد. یکی از گلایه‌های من این است که انگشت اتهام در خبرها به سمت این وزارتخانه گرفته نشد. تک‌تک آنها باید درباره اتوبوس‌های مستعمل و جاده‌های خرابشان توضیح بدهند. ما بارها درباره وضعیت اسفناک جاده‌ها نوشته‌ایم، اما حالا باز هم می‌بینیم که طی ۲۴ ساعت دو اتفاق افتاده و باید ریشه‌یابی کرد». فکری تصریح کرد: «این واقعه برای ما حواشی ناراحت‌کننده‌ای هم داشت که شاید پرداختن به آن مناسب نباشد. من فکر می‌کنم اگر این اتفاق برای گروه دیگری افتاده بود حتی همین رسیدگی‌های سطحی هم وجود نداشت. مسئولان به دیدار ما آمدند و ستاد بحران تشکیل دادند، چرا این ستاد برای وقایع مشابه تشکیل نمی‌شود؟ من متوجه این تبعیض می‌شوم و برایم آزاردهنده است. این مسئله باید در سطحی کلان‌تر دیده شود. درحال‌حاضر برای ادامه درمان همکارانم که جراحت داشتند هم اقدامی نشده و بیمارستانی برایشان درنظر گرفته نشده است و باید این مسئله را به صورت جدی پیگیری کرد».

مژگان جمشیدی، خبرنگار ارشد حوزه محیط زیست، هرچند در سفر اخیر حضور نداشته، اما روایت‌های زیادی درباره ارتباط خبرنگاران و سازمان محیط زیست دارد، او در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره می‌گوید: «اولین و آخرین باری که با سازمان محیط زیست برای بازدید دریاچه رفتم سال ۱۳۹۶ بود. اما من به عنوان کسی که ۲۰ سال است در حوزه محیط زیست کار می‌کنم، می‌خواهم بگویم که این سازمان از گذشته تا به امروز در برگزاری سفر مطبوعاتی ضعیف عمل می‌کرده است. به همین دلیل عمده سفرهایم را خودم با هزینه شخصی و با هماهنگی سازمان‌های دیگر انجام می‌دادم. اولین باری که به دریاچه ارومیه رفتم، سال ۱۳۸۰ به مدت پنج روز بود که این هم با هزینه شخصی بود و رسانه‌ها هم هزینه سفر پرداخت نمی‌کردند و هنوز هم عمدتا این‌گونه است. به صورت کلی سازمان محیط زیست خیلی کم اقدام به برگزاری سفرهای خبری می‌کند، شاید به این دلیل که سازمان محیط زیست مهجورترین سازمان در تشکیلات دولتی از نظر بودجه است. البته اینکه تغییرات پی‌درپی مدیریتی در این سازمان اتفاق می‌افتد و هیچ مدیری از داخل بدنه به‌عنوان رئیس یا معاون انتخاب نمی‌شود هم مزید بر علت شده، تا رؤسای این سازمان عمدتا هم با رسانه و هم محیط زیست بیگانه باشند. در حالی که در سازمان جنگل‌ها و مراتع با اینکه آنها هم از نظر بودجه در ضعف هستند اما به دلیل ثبات مدیریتی و تسلط اغلب مدیران بر حوزه کاری، پیوند بهتری با رسانه دارند».

او می‌افزاید: «همه اینها باعث شده که کم‌توجهی به خبرنگاران محیط زیست در این سازمان وجود داشته باشد. اما اتفاقی که اخیرا افتاده هیچ ربطی به کمبود بودجه ندارد. اولا این بچه‌ها از طرف ستاد احیای دریاچه ارومیه دعوت شده بودند، این ستاد بیش از چهارهزارو ۶۰۰ میلیارد تومان از سال ۹۳ مثلا برای احیای دریاچه هزینه کرده که اتفاقا همه‌اش به جیب سدسازانی رفته که خودشان باعث خشکیدگی دریاچه ارومیه شدند و حالا با پروژه‌های انتقال آب که همین هم از نظر کارشناسی محل اشکال است، این مبالغ را هزینه کرده‌اند! این حقش نبود که امروز پس از هشت سال وقتی برای نمایش خودشان هم که خبرنگار دعوت می‌کنند پنج میلیون تومان ناقابل پول یک اتوبوس ندهند و بعد ما در خبرها بخوانیم که اتوبوس را از کارخانه سیمان گرفتند تا رایگان باشد. متأسفانه رویه‌ای که در سازمان محیط زیست از گذشته تا به امروز رایج بوده، این است که چون همیشه این سازمان از لحظ بودجه در محاق بوده، اگر هم برنامه‌ای داشتند، رسم بر این بوده که از صنایع کمک می‌گیرند. مثلا ناهار میهمان‌هایی که دعوت می‌کنند از سوی فلان صنعت تأمین می‌شود، مکان استقرار را فلان نهاد تأمین می‌کند و این تبدیل به یک بدعت شده و در خیلی از استان‌ها رایج است که از صنایع و ارگان‌های دولتی امتیازاتی می‌گیرند که بحث راجع به آن از این مسئله خارج است.

او می‌افزاید: «متأسفانه مسئولان استان توجیه می‌کنند که اتوبوس برای حمل‌ونقل کارگران بوده است و نباید به خبرنگاران داده می‌شد. پرسش این است که اصلا چرا باید اتوبوسی که ایراد فنی دارد مورد استفاده قرار بگیرد، مگر جان کارگر بی‌ارزش‌تر از خبرنگاران است؟! چرا بیش از ۲۰ خبرنگار محیط زیست را در شرایط کرونا سوار یک اتوبوس می‌کنید آیا این بازدید آن‌قدر واجب بود؟ بر اساس شنیده‌های ما نه خود آقای کلانتری و نه آقای تجریشی، دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه در این سفر حضور هم نداشتند! چرا سفری را ترتیب داده‌اید که حتی مدیر کل محیط زیست استان هم در جریان بازدید حضور نداشته! پس اصلا چرا سفر خبرنگاران را برنامه‌ریزی کردید وقتی حتی خود مسئولان هم حضور نداشتند؟ اینها سؤالاتی جدی است که مسئولان سازمان باید پاسخ دهند. اینکه آقای کلانتری ادعا می‌کند این برنامه از سوی ستاد احیا تدارک دیده شده و او در جریان نبوده، واقعا شانه‌خالی‌کردن از زیر بار مسئولیت است. مسئولان ستاد احیای دریاچه ارومیه از ابتدا تا امروز خود آقای کلانتری و آقای تجریشی بوده‌اند و باید پاسخ‌گو باشند». جمشیدی در پایان خاطرنشان کرد: «ای کاش سازمان محیط زیست به جای نوشدارو بعد از مرگ سهراب و صرف هزینه‌های هنگفت برای تهیه تاج گل مراسم خاکسپاری عزیزان ازدست‌رفته ما، و هزینه‌های هنگفت بیمارستان و هتل، همان ابتدا خساست را کنار گذاشته و از این هزار میلیاردهایی که معلوم نیست کجا هزینه شده چند میلیون تومان ناقابل یک اتوبوس ایمن و سالم و مجوزدار از یک شرکت حمل‌ونقل رسمی برای چند ساعت کرایه می‌کردند. عیسی کلانتری باید پاسخ‌گو باشد. من امیدوارم صبح شنبه آقای کلانتری حداقل استعفا دهند تا کمی از این درد جانکاه بی‌مسئولیتی و سوءمدیریت ایشان در سازمان محیط زیست بر پیکره طبیعت ایران و خانواده داغ‌دار محیط زیست کاسته شود».

### حادثه برای سرباز-معلمان

صبح روز پنجشنبه سوم خردادماه، حوالی ساعت ۶ صبح اتوبوسی حامل ۳۴ سرباز - معلم برای گذراندن دوره آموزشی از زاهدان به سمت شیراز می‌رفت که به دلیل نقص فنی در محور یزد_ دهشیر واژگون می‌شود و در دم پنج نفر جان می‌سپارند و بنا گفته حمیدرضا رخشانی، مدیر آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، دو نفر از زخمی‌ها هم همان شب در بیمارستان فوت می‌کنند و تعداد کشته‌های این حادثه به هفت نفر می‌رسد.

محمد جهاندیده، یکی از سرباز - معلمان حاضر در این اتوبوس که از ناحیه گردن و دست آسیب دیده، درباره این واقعه به «شرق» می‌گوید: «سر گردنه ماشین ترمز برید و چپ کرد. وضعیت ماشین بسیار بد بود و ما از ابتدا به مربی‌مان که او هم در این حادثه جان باخت درباره اتوبوس اعتراض کردیم و گفتیم اتوبوس را عوض کنند، قرار شد در کرمان اتوبوس عوض شود، اما به جای آن فقط تسمه‌اش را تعمیر کردند و با همان اتوبوس ما را به سمت شیراز فرستادند».

همچنین حمیدرضا رخشانی، مدیر آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، در گفت‌وگو با «شرق» درباره جزئیات این حادثه گفت: «تنها ثبت‌نام اولیه سرباز - معلمان توسط آموزش و پرورش و ادارات این وزارتخانه انجام می‌شود و سپس آنها به حوزه نظام‌وظیفه معرفی شده و سازمان نظام‌وظیفه وظیفه ساماندهی و آموزش این سربازها را براساس برنامه‌ها عهده‌دار است. در نهایت مجموعه‌ای که قرار است آنها را آموزش بدهد، کار را پیش می‌برد. یعنی این سربازان براساس ثبت‌نام اولیه تقسیم می‌شوند و از اینجا کار ما با آنها تمام شده و سپس از آن زمان به بعد که وارد آموزش و پرورش می‌شوند مسئولیتشان با ما خواهد بود. به همین دلیل اداره آموزش و پرورش استان در جریان فرایندها نیست و ما اصلا در جریان نحوه ایاب و ذهاب نبودیم». وی افزود: «اما به محض اینکه متوجه این حادثه شدیم بلافاصله وارد عمل شده و همکاران خود را در سطح استان سیستان و بلوچستان و یزد برای پیگیری به بیمارستان‌ها فرستادیم».

در این اتوبوس ۳۴ سرباز - معلم از زاهدان به سمت آباده شیراز می‌رفتند تا آموزش ببینند و این آموزش توسط نیروهای انتظامی و سپاه انجام می‌شد. مطابق شنیده‌ها اتوبوس ترمز بریده و راننده نتوانسته است ماشین را کنترل کند. پنج سرنشین اتوبوس در دم جان می‌سپارند که از آنها سه نفر سرباز - معلم و یک نفر سرپرست مجموعه و یکی هم کمک‌راننده بودند. ۲۸ نفر مصدوم شدند که به سه بیمارستان تفت و ابرکوه منتقل می‌شوند. از میان بستری‌شدگان سه نفر حال وخیم داشتند که متأسفانه دو نفرشان پنجشنبه‌شب فوت کردند. فیلم منتشرشده از خبرنگاران پس از حادثه گویای همه‌چیز است. حالا آنها تا ابد تصویر جان‌دادن همکارانشان را در ذهن خواهند داشت و با روحی مجروح به سر کار بازمی‌گردند. به زودی ماجرای واژگونی دو اتوبوس در دو استان مختلف و جان‌باختن ۹ نفر فراموش می‌شود و آنچه باقی می‌ماند زخمی است که بر تن بازماندگان است و کسی پاسخ‌گوی آن نیست.

خبر

## ۳۲ شهر ایران کرونایی شدند

● **شرق:** مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت اعلام کرد: ۱۱۵ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۸۳هزارو ۵۸۸ نفر رسید.

تاکنون چهارمیلیون و ۴۱۵ هزار و ۸۶۴ نفر دُز اول واکسن کرونا و یک‌میلیون و ۱۲۷ هزار و ۸۸۶ نفر نیز دُز دوم را تزریق کرده‌اند و مجموع واکسن‌های تزریق‌شده در کشور به پنج‌میلیون و ۵۴۳ هزار و ۷۵۰ دُز رسید. همچنین براساس اعلام مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت، از سوم تا چهارم تیرماه و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۱۰ هزار و ۸۲۰ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که هزارو ۳۹۷ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به سه‌میلیون و ۱۵۰ هزار و ۹۴۹ نفر و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۸۳ هزار و ۵۸۸ نفر رسید. سه‌هزارو ۲۱۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. درحال‌حاضر ۳۲ شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۷۴ شهر در وضعیت نارنجی، ۲۴۲ شهر در وضعیت زرد قرار دارند. همچنین وزیر بهداشت اعلام کرد: تا پایان مرداد گروه‌های آسیب‌پذیر، بیماران صعب‌العلاج و افراد بالای ۶۰ سال واکسن دریافت خواهند کرد. براساس گزارش وبدا، دکتر نمکی درباره رعایت‌های لازم پس از تزریق واکسن نیز گفت: همچنان باید از ماسک استفاده شود؛ چراکه واکسن احتمال بیماری سخت را پایین می‌آورد اما همچنان احتمال ابتلا وجود دارد.

## ماندگاری هوای گرم در کشور

● **شرق:** براساس نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری سازمان هواشناسی، در شرق و جنوب شرق کشور به‌ویژه زابل و شرق کرمان وزش شدید باد و وقوع گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. براساس اعلام سازمان هواشناسی، هوای گرم تا اوایل هفته آینده در بیشتر مناطق کشور ماندگار است. در ارتفاعات واقع در جنوب کرمان، شرق هرمزگان و جنوب سیستان‌وبلوچستان رگبار پراکنده و رعدوبرق پیش‌بینی می‌شود. بر اساس اعلام سازمان هواشناسی، دوشنبه و سه‌شنبه در شمال آذربایجان‌های شرقی و غربی و ارتفاعات اردبیل شاهد رگبار پراکنده و وزش باد خواهیم بود.


# آشپزی، با همان طعم به‌یادماندنی

**محصولات کمکی آشپزی مگی بیش ۱۲۰ سال است که به‌عنوان دستیار آشپزی خوش‌ذوق در تدارک وعده‌های غذایی و ترویج عادات غذایی سالم، در کنار خانواده‌هاست.**

**در دنیای امروز، جوامع با تأکید بر روابط انسانی به‌دنبال خلق و سهیم‌شدن لحظات به‌یادماندنی هستند. وعده‌های غذایی که با نزدیکان خود شریک می‌شویم، یکی از بارزترین تجلی‌های این امر است. بر این اساس هدف خوراک فراتر از ضرورت بقا و به‌عنوان درگاهی برای تجربه رنگ و رایحه زندگی تعریف می‌شود. ازاین‌رو، امروزه ضمن تأکید بر ارزش غذایی، همگان به‌دنبال ارتقای لذت ناشی از وعده‌های غذایی خود هستند.**

**محصولات کمکی آشپزی مگی، بیش از یک قرن است که با ترکیبی ناب از سبزیجات و انواع ادویه از چهارگوشه جهان، عطر و طعمی بی‌نظیر به خوراک می‌بخشند و با ساده‌سازی فرآیند پخت‌وپز، لذت وعده‌های غذایی را دوچندان می‌کنند. با تأکید بر اهمیت غذای خانگی در سلامت تغذیه و رژیم غذایی متعادل، سبد محصولات مگی طیفی متنوع از انواع سوپ، پاستا و رشته فرنگی (نودل) آماده و نیمه‌آماده، انواع چاشنی و سس را شامل می‌شود که فرآیند تدارک خوراک سالم را برای همگان آسان کرده است.**

**این دستیار آشپز خوش‌ذوق از محصولات محبوب و نام‌آشنای بزرگ‌ترین شرکت مواد غذایی و آشامیدنی دنیا است که بعد از ۹ سال و به‌صورت تولید داخل به آشپزخانه‌های ایرانی بازمی‌گردد. محصولات مگی سال‌ها پیش (۲۰۰۵ میلادی) پس از گذراندن فاز نخست مطالعات ذائقه‌سنجی در شهر کاراجابِی ترکیه تولید و به کشور وارد می‌شد. اما راهبرد تولید ملی نستله و محبوبیت مگی در بازار کشور، نستله ایران را بر آن داشت تا به‌منظور عرضه مستقیم این دسته محصولات، خط تولید انواع چاشنی‌ها، سوپ و پودر سس مگی را در سال ۱۳۹۹ راه‌اندازی کند.**

**علیرضا سرابچی، مدیر ارتباطات سرویس‌های بازاریابی و روابط برون‌سازمانی نستله ایران درخصوص فرآیند تولید داخل مگی می‌گوید: «ترکیبات محصولات مگی در کشور با الهام از غنای غذا و طبع ایرانی و متناسب با مواد مغذی مورد نیاز جامعه تنظیم شده است. بنابراین به‌منظور حفظ اصالت طعم و کیفیت غذای ایرانی، در کمال افتخار اعلام می‌کنیم که مواد اولیه مورد نیاز محصولات مگی پس از تحقیقات گسترده متخصصین داخلی و بین‌المللی نستله بر زمین‌های زراعی، کشت ادویه و سبزیجات کشور تماما طبیعی و به‌صورت تأمین داخل تهیه می‌شوند».**

**به‌این‌ترتیب متخصصین نستله ایران قادر خواهند بود در سراسر زنجیره ارزش، کیفیت محصول فرآوری‌شده را به‌دقت و با استفاده از شاخص‌های جهانی ارزیابی کنند. علاوه‌براین، محصولات مگی به شیوه صنعتی خشک و نگهداری می‌شوند و فاقد هرگونه مواد نگهدارنده هستند. در این شیوه، حذف آب و رطوبت موجود در ترکیبات محصول فرآوری‌شده، نه‌تنها مانع از فاسدشدن آن می‌شود، بلکه ارزش غذایی محصول نیز به‌گونه‌ای مؤثر حفظ خواهد شد.**

**علاوه‌براین، متخصصین تغذیه نستله همواره شاخص‌های تغذیه‌ای و ارزش غذایی محصولات مگی را متناسب با نیازهای غذایی جامعه ارتقا داده‌اند. ازاین‌رو مهمترین وجه تمایز محصولات مگی را می‌توان در پایبندی به سخت‌گیرانه‌ترین سطح از استانداردهای سلامت و کیفیت دانست. گفتنی است این محصولات فاقد هرگونه چربی ترانس بوده و افزون بر مقادیر نمک، شکر و چربی‌های اشباع، میزان سبزیجات، غلات و حبوبات مورد استفاده در ترکیبات آنها نیز به‌صورت مستمر مورد بازبینی قرار می‌گیرد.**

**در حال حاضر سبد محصولات مگی در ایران شامل سوپ‌های نیمه‌آماده از قبیل سوپ ورمیشل، جو، جو و قارچ، جو و گوجه‌فرنگی، جو و سبزیجات با غلظتی دل‌چسب و سرشار از فیبر و ویتامین‌ها، چاشنی‌های پلو و خورشت با تلفیقی از ادویه‌ها و سبزیجات محبوب ذائقه ایرانی و همچنین سس سفید بشامل می‌شود که طعمی لذیذ به غذا می‌بخشد.**